

♦ مریم نوربخش ماسوله

مطبوعات رکن چهارم یا ستون پنجم!؟

یک نشریه، اثرات منفی خود را بر روزنامه‌نگاران و افراد جامعه می‌گذارد و امنیت آزادی بیان و قلم را دچار ضربات جبران ناپذیری می‌سازد. زندانیان راه قلم و کشته‌شدگان این وادی، از گذشته تاکنون از جمله کریم پورشیرازی، محمد مسعود، محمود صارمی، زهرا کاظمی نشانگر آن است که از مشکلات، محدودیت‌ها و معضلات پیش روی نویسندگان و روزنامه‌نگاران در هیچ دوره‌ای از تاریخ نه تنها کاسته نشده که شدت پیدا کرده است!؟

ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر بر این نکته تأکید می‌ورزد که: هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد. این حق شامل آزادی در داشتن عقاید بدون مداخله و مزاحمت و آزادی در طلب و کسب نشر و اطلاعات و افکار از طریق هر رسانه‌ای بدون ملاحظات مرزی است.

سالهای ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ در سراسر جهان بدترین سال‌ها برای روزنامه‌نگاران بود چرا که در سال ۲۰۰۳ تعداد ۴۲ خبرنگار کشته و بیش از ۱۲۰ خبرنگار دیگر زندانی شدند و براساس پیامی که مدیرکل یونسکو در سوم ماه می ۲۰۰۵ ارسال داشت، متذکر شد: "سال‌های ۲۰۰۴ و ابتدای سال ۲۰۰۵ از نظر تعداد خبرنگاران کشته شده بدترین زمان در یک دهه گذشته بودند. در این مدت بیش از ۷۰ خبرنگار و کارکنان رسانه‌ها

این پیام در روز سوم ماه می ۲۰۰۵ (۱۳ اردیبهشت ۸۴) ضمن تأکید براین واقعیت که آزادی مطبوعات هنوز نقش اساسی در گسترش آزادی برای همگان ایفا می‌کند، از مردم جهان خواسته بود تعهد خود را برای احقاق حق اساسی بشر تجدید نمایند. اما ... در حالی که هر ساله از سوی دولت‌ها و حکومت‌ها در روز جهانی آزادی مطبوعات و در کشور ما روز خبرنگار، تلاش می‌شود تا از کوشش‌های خستگی‌ناپذیر قلم بدستان که می‌خواهند با انواع محدودیت‌ها و سختی‌ها بار سنگین اطلاع‌رسانی را به خوبی به مقصد برسانند، گرامی داشته شود که حقایق پیش روی روزنامه‌نگاران که حکایت از دستگیری و زندانی شدن، توقیف نشریات و یا کشته شدن می‌کند، بیانگر این نکته مهم است که تا رسیدن به هدف و مقصد که آزادی بیان و قلم و اندیشه است، راه درازی را در پیش دارند.

روز جهانی آزادی مطبوعات و یا روز خبرنگار هر ساله از دردها، رنج‌ها و آلام افرادی سخن به میان می‌آورد که از سویی حرفه‌شان سخت و زیان‌آور شناخته شده و از سوی دیگر رکن چهارم دموکراسی نامیده شده‌اند. کسانی که هیچ توشه‌ای جز قلم و عشق به اطلاع‌رسانی شفاف و درست را در تمامی عرصه‌ها و صحنه‌ها به همراه خود نداشته‌اند. دستگیری، زندانی شدن، توقیف موقت یا لغو امتیاز

روزنامه‌نگاران در خطوط مقدم تاریخ، زوایای بغرنج رخدادها را روشن کرده به آنها شکل داده و حس روایتی به زندگی ما ارایه می‌دهند. ابزار آنان کلمه‌ها و تصویرها، ایمانشان آزادی بیان و تلاش‌شان چیزی است که موجب توانمندی همگی ما به شکل فردی و یا اجتماعی به گونه‌ای یکسان است.

با این حال برای انجام این کار ضروری، بسیاری از روزنامه‌نگاران تحت تعقیب، حمله، حبس و قتل قرار می‌گیرند. به نقل از کمیته حمایت از روزنامه‌نگاران، ۵۶ روزنامه‌نگار فقط در سال ۲۰۰۴ حین انجام وظیفه به قتل رسیدند، ۱۹ نفر دیگر مفقودالتر شده‌اند که بیم آن می‌رود کشته شده باشند و ۱۲۴ نفر دیگر زندانی.

ما شجاعت، تعهد و تلاش روزنامه‌نگارانی را که در مبارزه علیه خطر و خشونت بی‌پروا به منظور بهره‌بردن از حق خود برای ابراز حقیقت کوشش می‌کنند ارج می‌نهیم و به ویژه به دولت‌ها یادآور می‌شویم که حق طلب دریافت و انتقال اطلاعات و عقیده از راه رسانه‌ها در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، محفوظ نگه داشته شده است. **سانسور، سرکوب اطلاعات، ارباب، دخالت و یا نفی مردم سالاری مانعی برای توسعه و تهدیدی علیه امنیت همگی ما است.** کوفی عنان دبیرکل سازمان ملل متحد با ارسال

جانشان را از دست دادند، صدها نفر به مرگ تهدید شده و بسیاری دیگر مرعوب گشتند. برخی نیز به گروگان گرفته و یا شکنجه شده‌اند و همه اینها دلیلی ندارد جز اجرای وظیفه حرفه‌ای و این اعمال نه تنها به خاطر نقض حقوق افراد بلکه به خاطر از بین بردن اجرای حکمرانی مطلوب و دموکراسی که همان جریان دقیق و قابل اطمینان اطلاعات است، افراطی و نامعقول هستند.

اما در این میانه مشکلات، تنگناها و محدودیت‌های روزنامه‌نگاران در داخل کشور ما چیست؟ از دوم خرداد ۱۳۷۶ که روزنامه‌نگاران با فضایی متفاوت از گذشته مواجه شدند و آزادی بیان و قلم به عین پیش روی‌شان به نمایش گذاشته شد، تا اردیبهشت ۷۹ که در یک روز ۲۰ نشریه به محاق توقیف رفتند و بیش از هزار روزنامه‌نگار ناگهان با بیکاری روبرو شدند، زخم‌ها و رنج‌های فراوانی روح و جان روزنامه‌نگاران و در پی آن فضای جامعه را آزد که پیامد آن هم نه آن چیزی بود که محافظه‌کاران و اقتدارگرایان به دنبال آن بودند که روی آوردن بخش وسیعی از جامعه به رسانه‌ها و اطلاعات خارج از مرزهای کشور و ماهواره نتیجه این واکنش‌ها بود. شبکه‌های تلویزیونی، رادیوها، سایت‌های اینترنتی و ... که گویی به یکباره به وجود آمده و رشد کرده بودند، می‌خواستند تا هر یک به نوعی این عطش جامعه را نسبت به دستیابی به اطلاعات و اخبار فرو نشانده و سیراب‌شان سازند.

در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که آیا روزنامه‌ها و سایر نشریات داخلی که براساس حرفه و وظیفه خود به این کار می‌پردازند، می‌ورزند، اطلاع‌رسانان دقیق‌تر، دلسوزتر و درست‌تری نبوده‌اند؟! به راستی طی این سال‌ها مشکلات روزنامه‌نگاران ما چه بوده است؟

علی حکمت عضو انجمن دفاع از آزادی مطبوعات، ابراز می‌دارد: "در خیلی از کشورهای مردم سالار، مطبوعات به عنوان یک رکن در کنار ارکان معروف و مشهور دیگر به حساب می‌آیند. به این معنا که در کنار قوه مجریه، مقننه و قضائیه، از مطبوعات به عنوان یک قوه دیگر به نام رکن چهارم، یاد می‌شود. همان گونه که کشوری بدون قوه قانون‌گذار یا اجرایی و یا قضایی نمی‌تواند

جامعه‌ای قانونمند و مستقل و مردم‌سالار به حساب بیاید، بدون مطبوعات هم تحقق یک جامعه مطلوب ممکن نیست. در قانون اساسی مشروطیت در ۹۹ سال پیش مطبوعات، رکن چهارم نامیده شده و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۲۴ به اهمیت و جایگاه مطبوعات، اشاره شده است. من تصور می‌کنم هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند به توسعه، عدالت و پیشرفت دست پیدا کند، مگر آن که از یک جریان رسانه‌ای قوی و نیرومند برخوردار باشد.

نقطه عکس آن هم این که هرچه مطبوعات ناکارآمدتر و وابسته‌تر باشند، توسعه و پیشرفت، کندتر و ضعیف‌تر می‌گردد.

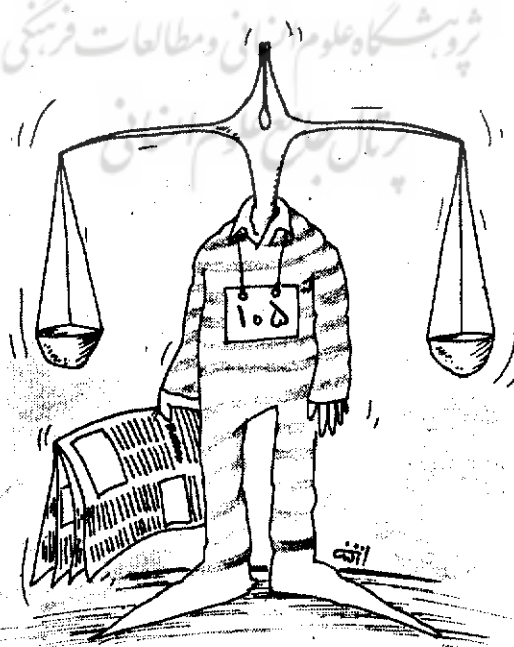
سردبیر روزنامه توقیف شده خرداد، وضعیت مطبوعات را در حال حاضر، مطلوب و به‌هنگار ارزیابی نکرده و معتقد است که: "خودسانسوری و به‌طور کلی سانسور دامنگیر اغلب نشریات شده است. مباحث بنیادین نقد و نظر مستقلانه از مجموع آنچه که در جامعه فعلی ما می‌گذرد، به صورت دقیق، غیر عملی است. شفاف‌سازی و اطلاع‌رسانی درست و به‌هنگام، در تناقض با سانسور و خودسانسوری است. مطبوعات فعلی ما در یک نگاه کلی به سه گروه تقسیم می‌شوند: ۱- نشریاتی که مروج و مبلغ افکار و آزادی‌باندی‌های اقتدارگرا هستند. ۲- گروه دوم، نشریاتی که به اصطلاح دست به عصا قدم بر می‌دارند و به یک فعالیت حداقلی در بخشی از مسایلی که مربوط به عرصه‌های سیاست، اجتماع، فرهنگ و اقتصاد است،

می‌پردازند و من تعبیر مطبوعات خنثی را برای آنها مناسب می‌دانم. ۳- و گروهی که رگه‌هایی از آرمان‌گرایی، اطلاع‌رسانی دقیق و درست و شفافیت مبتنی بر منافع ملی و وجهه‌همت‌شان است. اما به دلیل جو فشاری که علیه مطبوعات اصلاح‌طلب و پیشرو وجود داشته و سابقه ذهنی منفی از تعطیلی فله‌ای مطبوعات و توقیف بیش از ۱۰۰ نشریه، به آنها اجازه نمی‌دهد که نسبت به وظایف و مسوولیت‌هایشان در عرصه مطبوعات، آن گونه که شایسته است، گام بردارند. اگر طرز تلقی من از این تقسیم‌بندی در رابطه با وضع فعلی مطبوعات، درست باشد باید گفت مطبوعات در ایران، دچار بحران جدی است.

آزادی مطبوعات و قانون

آزادی مطبوعات به طور خاص، "نشر آزاد روزنامه‌ها، بدون هیچ‌گونه محدودیت و نظارت قبل از انتشار، عدم توقیف و تعطیل خودسرانه آنها بعد از انتشار، پیش‌بینی دقیق ضوابط و مسوولیت‌های قانونی نشریات و رسیدگی به تخلفات و جرایم احتمالی آنان در دادگاه‌های عادی با حضور هیات منصفه را شامل می‌شود که با رعایت اصل تعدد و تنوع نشریات از جهت سیاسی و مسلکی و حفظ استقلال آنها در برابر صاحبان ثروت و قدرت تحکیم می‌گردد.

در سیر تاریخی آزادی مطبوعات، "اعلامیه حقوق بشر و شهروند"، انقلاب کبیر فرانسه (مصوب ۱۷۸۹) که در ماده ۱۱ خود، انتقال و انتشار آزادانه افکار و عقاید را یکی از گرانیهاترین حقوق انسانی می‌داند و آزادی گفتار، نگارش و چاپ را برای هر شهروند به رسمیت می‌شناسد و نخستین اصلاحیه قانون اساسی ایالات متحده آمریکا (مصوب ۱۷۹۱) که کنگره این کشور را از وضع هر قانون محدودکننده آزادی بیان یا مطبوعات ممنوع می‌کند، اهمیت خاصی دارند. البته نباید فراموش کرد که در فرانسه، پس از پیروزی انقلاب، به سبب عدم پیشرفت سریع اندیشه‌های انقلابی و روی کارآمدن دیکتاتوری نظامی و احیای شیوه‌های استبدادی، تحقق آزادی مطبوعات تا حدود یک قرن بعد به تعویق افتاد و سرانجام، پس از مبارزات پیگیر و گسترده آزادی‌خواهان و به ویژه روزنامه‌نگاران، قانون مطبوعات سال ۱۸۸۱ که به "منشور



آزادی مطبوعات" مرسوم است و اکنون هم در فرانسه اجرا می‌شود، این هدف را تامین کرد.

محمدجواد مظفر مدیر انتشارات کویر، مطبوعات ایران را در شرایط کنونی در دوران برزخی توصیف کرده و بهار مطبوعات را از سال‌های ۷۷ تا ۷۹ ارزیابی می‌کند. وی خاطر نشان می‌سازد: بعد از پایان دور اول انتخابات، روزنامه اقبال توقیف شد و این توقیف‌ها ادامه پیدا کرده است. بنابراین وضعیت مطبوعات اسف بار بوده و به هیچ وجه قابل قبول برای روزنامه‌نگاری آزاد و بدون دغدغه نیست. بارها اشاره کردم که مطبوعات آزاد، ضرورت یک جامعه متحول، رشد یابنده، توسعه‌خواه و مهم‌ترین ابزار مبارزه با فساد قدرت و ثروت است و بنابراین باید از شرایطی برخوردار باشد که بتواند آزادانه به نقد عرصه‌های قدرت و ثروت اقدام کند.

عضو شورای سیاست‌گذاری روزنامه توقیف شده عصر آزادگان (روزنامه‌های جامعه، توس و نشاط)، تضمین حقوق مردم و جلوگیری از پیمانال شدن حقوق اقصای محروم توسط قدرت‌های سیاسی و اقتصادی را در پرتو آزادی قلم و بیان ذکر کرده و می‌گوید: "متأسفانه روزنامه‌نگاران به هیچ وجه از امنیت شغلی برخوردار نیستند و اضطراب بر اهل قلم در نشریات مختلف حاکم است.

"تغییرات مدیریت در روزنامه همشهری، شاهد صدق این مدعا است."

کشورهای عضو سازمان ملل متحد در "بیانیه هزاره"، حمایت جدی، همه‌جانبه و صریح خود را از حاکمیت دموکراتیک و مشارکتی اعلام کردند و رسانه‌های آزاد و باز را به عنوان یکی از ابزار ضروری جهت دستیابی به این هدف برشمردند. بیانیه هزاره تصریح می‌کند که کشورهای عضو از هیچ تلاشی برای ترویج دموکراسی و تقویت حاکمیت قانون مضایقه نخواهند کرد و برای تقویت ظرفیت تمام کشورها به منظور به کارگیری اصول و شیوه‌های دموکراسی و احترام به حقوق بشر عزم را جزم کرده است. مصیبت فساد که جریان آزاد اطلاعات را مختل، پاسخگویی را تضعیف و از مشارکت گسترده تر در تصمیم‌گیری‌ها جلوگیری می‌کند، مانعی است بر سر راه حکمرانی مطلوب. مدیرکل یونسکو با بیان این مطلب در سوم ماه می سال ۲۰۰۵، روزنامه‌نگاران و خبرنگاران را به حمایت هر چه بیشتر از جامعه نیازمند دانسته و اعتقاد دارد

که بدین وسیله قادر خواهند بود موانع اطلاع‌رسانی صحیح و دقیق را از سر راه بردارند.

در همین راستا علی مه‌ری نایب رئیس شورای سیاست‌گذاری روزنامه توقیف شده گلستان ایران، یادآور می‌شود: "مطبوعات مانند سایر پدیده‌های مدرن به صورت آمرانه و از روی تفنن وارد کشور شد تا اسباب تفاخر و تشبث به ترقی و پیشرفت حاکمان در مقابل ملل دیگر از جمله هم‌تایان اروپایی باشد. پدیده مطبوعات در ایران بر اثر ضرورت و نیاز صورت نگرفت تا جزو ارکان جامعه به حساب بیاید؛ هنگامی که جامعه مدنی غایب باشد، بدیهی است که مطبوعات هم نمی‌توانند کارکرد اصلی خود را داشته باشند.

وی در پاسخ به این پرسش که مطبوعات از چه جایگاهی باید برخوردار باشند؟ می‌گوید: "تا هنگامی که طرز تفکر و باورهای جامعه اصلاح نشود، نباید امیدی به این مساله داشت که از مطبوعات، جامعه مدنی و سایر پدیده‌های مدرن مانند دیگر کشورهای پیشرفته و توسعه یافته بهره‌مند شویم.

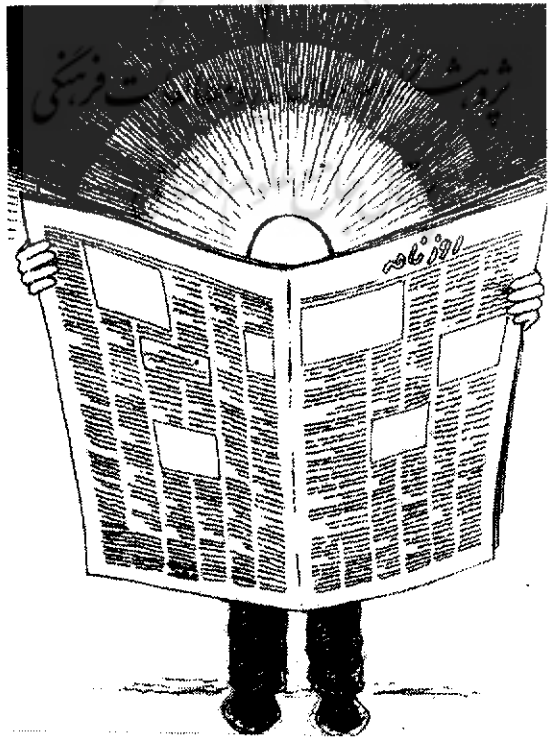
علی بیکنس مدیر تحریریه روزنامه توقیف شده گلستان ایران، مشکلاتی را که امروزه مطبوعات ما با آن دست به گریبان است، از زاویه‌ای دیگر مورد بررسی قرار داده و می‌افزاید: "نگاه اجمالی به کارنامه نشریات و نیز بیوگرافی سیاسی مدیران مسوول، صحت و سقم این مدعا را می‌رساند و به جرات می‌توان گفت که بیش از ۷۰ درصد مدیران مسوول و

صاحبان امتیاز نشریات ما را افراد سیاسی تشکیل می‌دهند. بنابراین سرنوشت مطبوعات ما با چالش‌های قدرت در ایران گره خورده و حتی اگر ادعا کنیم که مطبوعات ما کارکرد حزبی پیدا کرده‌اند، ادعایی گراف نخواهد بود.

وی توقیف را نه تنها محروم کردن جامعه از تریبون و رسانه مورد علاقه‌شان می‌داند که ظلم مضاعفی نسبت به سرمایه‌گذاران و افرادی که با صرف وقت توانستند حاصل کار خود را به صورت یک مطبوعه در اختیار مخاطبان خود قرار دهند، بر می‌شمرد. و متذکر می‌شود: "بیکار شدن عده‌ای که از این راه به امرار معاش می‌پرداختند، صدمه‌ای جبران‌ناپذیر است که به این افراد وارد می‌شود.

دسترسی به اخبار و اطلاعات، حق همگان شمرده می‌شود و این امر تنها در صورتی که از موهبت آزادی بیان و قلم و اندیشه برخوردار باشیم، میسر و ممکن خواهد بود. مطبوعات تکثرگرا و مستقل می‌توانند پایه‌های آزادی قلم را در کشور پی‌ریزی نموده و موجب توسعه، صلح و آرامش شوند. به گفته مدیرکل یونسکو تعهد و التزام به از بین بردن تمام موانع آزادی مطبوعات و بهبود شرایط برای روزنامه‌نگاری و اطلاع‌رسانی حرفه‌ای و مستقل، ضروری است و ما از کشورهای عضو دست‌اندرکاران رسانه‌ها می‌خواهیم تلاش‌هایشان را برای رسیدن به این هدف تقویت کنند. همچنین به خبرنگاران و روزنامه‌نگارانی که برای آگاه‌سازی عموم و رساندن اطلاعات صحیح‌شان را از دست داده‌اند یا به خطر انداخته‌اند، ادای احترام می‌کنیم. شجاعت و تخصص آنها گامی است بسیار ارزشمند در جهت دفاع از حقوق بنیادین و آزادی‌های همگان."

دکتر محمد سیف‌زاده عضو کانون مدافعان حقوق بشر جایگاه و مرتبه روزنامه‌نگاران را با نثرهای بین‌المللی مطابق نمی‌داند و تأکید می‌کند: "مساله نشر و اخبار آزاد تا به آن جا دارای اهمیت است که از نظر قانونگذار یک اصل باید به آن اختصاص داده شود. اصل ۲۴: "نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آن که مخل مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند. تفصیل آن را قانون معین می‌کند. یا در قانون مطبوعات فصل دوم ماده ۲ آمده: "رسالتی که مطبوعات در نظام جمهوری اسلامی بر عهده دارند، عبارت است از: الف) روشن ساختن افکار عمومی و



بالا بردن سطح معلومات و دانش مردم در یک یا چند زمینه (ب) پیشبرد اهدافی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی بیان شده و تلاش برای نفی مرزبندی کاذب و تفرقه انگیز و قرار ندادن اقلیت (مختلف) (د) مبارزه با مظاهر فرهنگ استعماری و تحکیم سیاست نه شرقی نه غربی. هر یک از مطبوعات باید حداقل در تحقق یکی از موارد فوق سهیم و با موارد دیگر به هیچ وجه در تضاد نبوده و در مسیر باشد. می بینیم که تا چه اندازه قانونگذار نسبت به مطبوعات توجه و دقت نشان داده. اما فاصله بین قانون و نرّم های بین المللی بسیار زیاد است. دکتر سیف زاده وکیل دادگستری، در ادامه اضافه می کند: ما پیش از آن که بگوئیم چه مشکلاتی گریبانگیر روزنامه نگاران شده، باید از مشکلات و معضلاتی که قوه قضاییه با آن دست به گریبان است، سخن به میان بیاوریم.

وی می افزاید: "دوران طلایی از سال ۷۶ تا ۷۹ بسیار کوتاه بود و البته تحلیل سیاسی وجود دارد که چرا دوم خرداد به وجود آمد. انباشت مطالبات مردم در زمینه مسایل سیاسی و انسداد کامل سیاسی در دهه ۶۰ تا اوایل دهه ۷۰ سبب پیدایش پدیده دوم خرداد شد. در نتیجه مردم به سوی مطبوعات اصلاح طلب گرایش یافتند. شاید بتوانیم از لحاظ تاریخی به زمان دکتر مصدق و سال های ابتدای انقلاب اشاره کنیم، از لحاظ کثرت مطبوعات، این وضعیت امر قابل توجهی بود. که متأسفانه محافظه کاران و آن کسانی که فکر می کنند اگر مطبوعات خفه شوند، فساد آنها پنهان خواهد ماند، موجب بسته شدن روزنامه ها شدند. من این مساله را که مطبوعات هنجارها و ساختارها را شکستند و این وضعیت را به وجود آوردند، نمی پذیرم. چرا که این نحوه تحلیل باعث می شود که اعمال خلاف قانونی در مورد پرونده های روزنامه نگاران فرافکنی شده و فراموش گردد. این واکنش ها نسبت به مطبوعات، سبب سانسور شده و فساد را در جامعه ترویج می دهد. در حالی که بسیاری از صاحب نظران اسلامی معتقدند به لحاظ رعایت حریم حکومت ها، امر به معروف و نهی از منکر، به عهده افراد نیست که مانند کشور عربستان چماق به دست گرفته و اداره منهیات را دارا باشند. در کشور ما افرادی مانند قائم مقام فراهانی، امیر کبیر، دکتر مصدق و بازرگان و تا اندازه ای خاتمی خواهان اصلاحات بودند اما توفیقی حاصل نشد. چرا؟ به علت آن که ما نتوانستیم فرهنگ مردم سالاری را به صورت یک فرهنگ در

بیاوریم. بر همین مبنا عده ای نمی توانند آزادی مطبوعات را تاب بیاورند. ولی علی رغم این مشکلات من بر این تصورم که آینده مطبوعات و ایران، به سوی دموکراسی، حقوق بشر و تعمیق قانون گرایی خواهد رفت چرا که راهی به جز آن نداریم.

علی اصغر سیدآبادی روزنامه نگار که بیش از ۷ توقیف روزنامه را تجربه کرده، آزادی بیان را نیازمند وجود شرایط حداقلی دانسته و متذکر می شود؛ مهم ترین شرایط آزادی بیان پذیرش دیگران توسط صاحبان قدرت است که این مساله بدون دموکراسی ممکن نمی شود و وجود جایگاه و مرتبه خاص و ویژه برای مطبوعات، بدون ثبات و امنیت حاصل نمی گردد.

شان و مرتبه روزنامه نگاران از سوی علی مهتری اینگونه عنوان می شود: "روزنامه نگاران و خبرنگاران هم به تیغ مطبوعات، مقام ثابت و محکمی ندارند. همان طور که مطبوعات در ایران به عنوان رکن مستقلی از دموکراسی پذیرفته نشده، خبرنگاران هم به عنوان هویت مستقل و دارای حق و شایسته مطرح نیستند و روابط و مناسبات درونی در مطبوعات هم نشان دهنده آن است که نوشتن میثاق مطبوعات همچون فونداسیون های جامعه ما مناسب جامعه مدرن نیست و عملاً فاقد کارایی لازم خواهد بود.

البته وجود حامی و پشتوانه ای که بتواند از روزنامه نگاران در لحظات سخت بی کاری و یا محبوس شدن، حمایت همه جانبه و لازم را به عمل بیاورد، امری ضروری به شمار می رود. علی بیگس بر این باور است که: "هیچ انجمن یا نهادی جهت حمایت از این قشر قلم بدست وجود ندارد. انجمن صنفی نیز به نظر حقوقی و ساختاری و مناسبات انسانی حاکم نتوانسته از اجحافات که در حق روزنامه نگاران رفته، حامی شان باشد. از سوی دیگر این مساله شامل روزنامه نگاران حق التحریر هم می شود که ظلم مضاعفی بر آنان می رود."

علی حکمت مطبوعات را از دو جنبه بررسی می نماید: و معتقد است: "مطبوعات و به طور

مثال روزنامه ها هم می توانند پرچمدار شفافیت و اطلاع رسانی باشند و هم تا حد روزی نامه تنزل کنند. مطبوعات به عنوان رکن چهارم گاه می توانند به نام رکن چهارم ولی برای ستون پنجم عمل کنند. من معتقدم که مطبوعات آزاد و مستقل که می توانند به مثابه رکن چهارم نقش ایفا کنند، همواره از سوی اقتدارگرایان و مفسدان مورد حمله، هجوم و بی مهری قرار می گیرند. تا با تهدید و تطمیع از آن یک ستون پنجم بسازند. روزنامه نگاران اصلاح طلب گاه ناچار شده اند که با چراغ خاموش حرکت نمایند. ولی من با کمال تأسف پیش بینی می کنم که شاید مواجه با وضعی شوند که محکوم به خاموش کردن موتور گردند. اما امیدوارم نیروی در جبهه محافظه کاران که از یک عقلانیت نسبی برخوردار است، از این گونه حوادث و پیشامدها با خردگرایی و آینده نگری جلوگیری به عمل بیاورند و نگذارند چراغ ضعیف اطلاع رسانی در عرصه مطبوعات ایران، دچار خاموشی شود.

منابع:

- حقوق مطبوعات نوشته دکتر کاظم معتمدنژاد
- نشریه روزنامه نگار، بولتن داخلی انجمن صنفی روزنامه نگاران (اردیبهشت ۸۴)



شرکت خدمات مسافرتی

اطلس (عقد ۱۳۷۱)

شماره ثبت: ۷۵۴۰ تاریخ تاسیس: ۱۳۳۹/۷/۲۶

بیش از چهارده ساله سابقه خدمت



خیابان میرداماد، میدان مادر (محسنی)، خیابان شهید شاهنظری
پلاک ۴۱. صندوق پستی: ۱۹۹۱-۱۴۱۵۵
تلفن: ۲۲۲۲۱۰۳۶ - ۲۲۲۷۰۰۶۱ - ۲۲۲۷۰۰۶۲
فاکس: ۲۲۲۷۰۰۶۳